

تحلیلی بر سواد تربیتی - عاطفی و ارائه پروتکل آموزشی برای والدین دارای کودک خردسال

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۵

کد مقاله: ۲۸۹۷۸

شیرین سرلک*

چکیده

خانواده گروه کوچکی است که ویژگی اساسی و غیر قابل تفکیک آن صمیمیت است و اجتماعی کردن نسل آینده جزء بدیهی‌ترین و اساسی‌ترین وظایف خانواده است. در میان عوامل اجتماعی زیادی که در تحول کودک سهم دارند، خانواده بدون شک از اهمیتی اساسی برخوردار است، روابط بین کودک و مادر را می‌توان به عنوان نظام یا شبکه‌ای از عوامل و بخش‌هایی دانست که در واکنش‌های متقابل با یکدیگرند، در سال‌های اولیه تنها روابط موجود برای کودک، روابط او با والدینش است. خانواده، کودک را برای قبول مسئولیت آگاه می‌سازد، به افکار، عواطف، اراده و فعالیت وی شکل خاصی می‌بخشد و او را اجتماعی می‌سازد، بدین معنی که از طریق الگوگیری و تمرین به او می‌آموزد که چگونه خود را با هنجارهای اجتماعی منطبق می‌سازد. در راستای احساس نیاز به روش‌های درمانی برای کاهش مشکلات رفتاری کودکان و افزایش بهداشت روانی والدین، برنامه‌های آموزش والدین به عنوان یک روش درمانی موثر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، که از این میان می‌توان به روش آموزش گروهی فرزندپروری مثبت اشاره کرد. در این بخش سعی داریم در کنار ارائه مقدمه‌ای بر آموزش والدین، به مبانی نظری روش آموزش گروهی فرزند پروری مثبت نیز بپردازیم. متناسب با موضوع این پژوهش علاوه بر شناخت و تحلیل سواد تربیتی - عاطفی، به طراحی پروتکل آموزشی در جهت بالابردن دو سواد عاطفی و تربیتی والدین که بیشترین تاثیر را بر کودکان خردسال دارند خواهد شد، زیرا والدین باید از دانایی و توانایی لازم برای تربیت فرزندان برخوردار باشند و برای موفقیت در امر تربیت به آن‌ها اطلاعاتی در زمینه‌های تربیتی - عاطفی همچون بخش‌های فنی، انسانی، ادراکی را آموخت. برگزاری کلاس‌های آموزش والدین، تغییر برنامه‌ریزی شده‌ای است که با هدف نزدیک کردن روش‌های تربیتی و آموزشی والدین و در نهایت با تغییر در رفتار آنان است تا با بالابردن سواد تربیتی و عاطفی والدین، گام در مسیر درست برای کاهش مشکلات رفتاری و پرخاشگری کودکان بگذاریم.

واژگان کلیدی: سواد عاطفی - خانواده درمانی، رابطه والد-فرزند، کنترل خشم خردسال، درمان مبتنی بر تعامل والد-کودک.

۱- مقدمه

۱-۱- کارکرد خانواده

یکی از مهمترین عامل‌ها در پیشبرد اهداف خانواده، کارکرد خانواده است. کارکرد خانواده در اصل اشاره به ویژگی‌های سیستمی خانواده دارد؛ به بیان دیگر کارکرد خانواده، توانایی خانواده در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل کردن تعارض‌ها، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای آن انضباطی، رعایت حد و مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده است (ایوونا و میکان، ۲۰۲۲). کارکرد خانواده جنبه مهم محیط خانوادگی است که سلامت جسمانی، اجتماعی و هیجانی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع آنچه در درون خانواده اتفاق می‌افتد و چگونگی کارکرد آن می‌تواند عامم کلیدی در ایجاد انعطاف‌پذیری و کاهش خطرات فعلی و آینده مرتبط با رویدادهای ناگوار و شرایط نامناسب باشد. محیط برانگیزنده و پرورش دهنده، کودکان را قادر می‌سازد تا یاد بگیرند و پیشرفت کنند؛ برعکس، محیط‌های خانوادگی ناکارآمد می‌تواند برای بسیاری از جنبه‌های تحول کودکان و انتقال مثبت آنها به بزرگسالی بسیار زیان‌بار باشد. کارکرد خانواده با سلامت روانی اعضا ارتباط دارد. آسیب روانی اصولاً یک مشکل درون فردی در یک عضو خانواده نیست، که یک فرایند تعاملی بین اعضا خانواده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد بین کارکرد ضعیف خانواده و ابتلای فرزندان به علائم جسمی، اضطراب، اختلال خواب، افسردگی و اختلال در کارکرد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۵). رشد اخلاقی به‌عنوان جنبه بسیار مهمی از رشد می‌تواند از طریق بازی تحت تأثیر قرار بگیرد، بدین‌صورت که اخلاقیات و رشد اخلاقی به وسیله بازی هدایت می‌شوند، در واقع بازی‌ها متناسب با محتوایشان از طریق مکانیزم‌هایی هم‌چون دسترسی به افکار جامعه‌پسند یا ضداجتماعی، حساسیت‌زدایی و تحریف‌های شناختی بر ابعاد اخلاقی و رشد اخلاقی نوجوانان تأثیر می‌گذارد (نیکوگفتار و شباهنگ، ۱۳۹۹). از سوی دیگر، اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای و نامناسب سبب به‌خطر افتادن سلامت فیزیکی و روانی، کاهش مهارت‌های اجتماعی، انزوا و گوشه‌گیری دانش‌آموزان می‌شود (زمانی، چشمی و هدایتی، ۲۰۱۰). این موضوع می‌تواند منجر به کاهش فرصت آنان برای پرداختن به امور و تکالیف درسی و تحصیلی شود (فرم، ۲۰۰۳). به‌طوری که هم‌اکنون افت تحصیلی یکی از نگرانی‌های عمده والدین و مربیان در رابطه با وابستگی و اعتیاد به بازی‌های نامناسب در میان کودکان و نوجوانان است، زیرا چنین بازی‌هایی با ایجاد فضایی جذابتر در مقایسه با انجام تکالیف درسی، باعث تداخل در عملکردهای درسی و تحصیلی می‌شوند (پارکر، ۲۰۰۹). عادت به بازی‌های نامناسب نیز به‌عنوان یک اختلال رفتاری یا رفتار مشکل‌آفرین مطرح است و نه نوعی اعتیاد، زیرا تحقیقات اخیر چنین استدلال کرده که اعتیاد باید دامنه وسیع‌تری از رفتارها را پوشش دهد (لیونگ و لی، ۲۰۱۱). در واقع ۸۰ درصد از والدین به نوعی فرزندان خود را ناسازگار اطلاق می‌کنند که چنین برداشتی از فرزندان باعث رفتار خاص والدین نسبت به آنها می‌شود، آنچه مهم است؛ فهم این ناسازگاری و دلایل آن است که به والدین کمک می‌کند تا رابطه بهتری با فرزندان خود داشته باشند، در این وضعیت ناهمگون که والدین، فرزندان را ناسازگار می‌دانند و فرزندان هم رفتار والدین خود را قبول ندارند؛ امکان وقوع بسیاری از حوادث ناگوار برای فرزند وجود دارد (احمدی، ۱۳۸۹). در الگوهای فرزندپروری مبتنی بر شرطی‌سازی، بر آموزش والدین جهت پاسخ‌دهی به شیوه‌های متفاوت به رفتارهای فرزندان تأکید می‌شود که موجبات افزایش سطح بدررفتاری کودکان فراهم نشود، در این برنامه‌ها، از والدین خواسته می‌شود که رفتارهای خوب فرزند را به‌صورت فعالانه شناسایی و آن رفتارها را تقویت کنند (کرنز، پینکوس و لائولین، ۲۰۱۷). از اثرات منفی بازی‌های نامناسب بر کودکان می‌توان به بالا رفتن رفتارهای پرخطرانه، وابستگی به بازی‌های نامناسب، افسردگی، گوشه‌گیری و اضطراب از آثار منفی روانی اشاره کرد، به‌علاوه عدم تناسب محتوای بازی‌ها به‌ویژه با فرهنگ ایرانی اسلامی و آثار فیزیکی و جسمانی آن بر نوجوانان را نمی‌توان نادیده گرفت (فرگوسن، ۲۰۱۳). مدل خانواده‌درمانی‌ساختاری بین درمانگران به جهت مؤثر و روشن بودن مفاهیم و بهره‌مندی از ایده‌های جدید و پیشرفت‌های، پژوهشی در طول زمان، شهرت بیشتری کسب کرده و تداوم پیدا کرده است (موسوی، مرادی و مهدوی-هرسینی، ۱۳۸۴). درمانگر با تمرکز روی ساختار یا سازمان خانواده، به افراد کمک می‌کند تا الگوهای کلیشه‌ای خود را تعدیل، انعطاف‌پذیری خود را افزایش و در روابط بین اعضای خانواده بازنگری کنند و آنها را اصلاح کنند (عاشوری، منشئی، ۱۳۹۲). در واقع خانواده‌درمانی‌ساختاری یک رویکرد اساسی در بین نظریه‌های سیستماتیک خانواده می‌باشد و اساس این نظریه بر اساس یک سلسله مراتب سازمانی در سیستم خانواده تأکید دارد (ایمانی فر، ۱۳۹۵). این رویکرد بر اهمیت سازمان خانواده برای عملکرد واحد خانواده و به‌زیستی اعضا تأکید می‌کند و تمرکز این مدل بر روی الگوهای تبادلی است که در آن نشانه‌های اختلال ظاهر می‌

1 - Ivanova, I. & Micane

2-Formme

3-Parker

4- Leung & Lee

5- Kerns, Pincus, & Laughlin

6- Ferguson

شوند و مشکلات به عنوان شاخصی از عدم تعادل خانواده، به خصوص سلسله مراتبی از نا کارآمدی مبتنی بر عدم شفافیت مرزهای سیستمی والدین و فرزندندان دیده می‌شود (والش^۱، ۲۰۱۴).

از نظر رویکرد ساختاری هر خانواده یک ساختار دارد، این ساختار زمانی که خانواده در شرایط واقعی قرار گیرد شناخته می‌شود (لیو، فانگ، زهو، یان و همکاران^۲، ۲۰۱۵). از طرفی، مطالعات انجام شده در مورد تفاوت‌های جنسیتی در وابستگی به بازی‌های رایانه‌ای نشان می‌دهد که پسرها نسبت به دخترها بیشتر به این بازی‌ها می‌پردازند و ترجیح می‌دهند آنها را به‌عنوان فعالیتی برای پر کردن اوقات فراغت خود در نظر بگیرند (لیونگ و لی^۳، ۲۰۱۰). نتایج مطالعات انجام شده در این زمینه نیز حاکی از این است که برخی از کودکانی که بیش از حد به یک بازی می‌پردازند، دچار مشکلات رفتاری می‌شوند (زمانی و همکاران^۴، ۲۰۱۰).

اختلال نافرمانی مقابله‌ای از شایع‌ترین اختلال‌های روانی است که با شیوع ۲ تا ۱۶ درصد در کودکان پیش دبستانی یا اوایل سن مدرسه و در مرحله قبل از نوجوانی بروز می‌کند. براساس تعریف پنج‌مین راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی اختلال نافرمانی مقابله‌ای الگوی پایداری منفی کاری، نافرمانی، لجبازی، خصومت و سرکشی در برابر اولیای قدرت است. این اختلال با عواملی چون از کوره در رفتن، مشاجره با بزرگ‌سالان، سرپیچی فعالانه از مقررات و درخواست‌های بزرگسالان و یا عدم همکاری با آنها، ناراحت کردن عمدی دیگران، سرزنش دیگران به خاطر اشتباهات و سوء رفتار خود، زودرنجی و زود ناراحت شدن از دست دیگران، دلخوری و عصبانیت، کینه‌توزی و انتقام‌جویی همراه است (عزیزی، کریمی‌پور، رحمانی و ویسی، ۱۳۹۵). کودکان به‌عنوان عناصری که تأثیرات کمتری را در مقایسه با والدین در تعاملات خانواده دارند، بیش از سایرین در معرض آسیب‌هایی هستند که از عدم وجود روابط سالم در خانواده حادث می‌شود. سلامت روان اعضای خانواده به‌خصوص کودکان در صورت وجود تعاملات سالم در این تشکل طبیعی رقم می‌خورد (کارلسون، اسپری و لويس، ۱۳۷۸). در میان اعضای خانواده مادر نخستین فردی است که با کودک نه‌تنها در دوران جنینی، بلکه در این جهان رابطه مستقیم و تنگاتنگی دارد. نحوه تعامل و شخصیت مادر با کودک از مهمترین عوامل انسانی موثر در رشد و تکامل فرزند است و نحوه برقراری ارتباط مادر با فرزندش از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. از بهترین راه‌های تأثیرگذاری بر روی کودک و رفتارش، ارتباط و تعاملات مادر فرزندپرست که باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد (امیر و همکاران^۵، ۱۳۹۱).

۱-۲- فرزندپروری

یکی از عوامل موثر بر سلامت و بهزیستی روان‌شناختی فرد، کیفیت عملکرد سیستم خانواده است و در این بین روابط و تعاملات حاکم بر اعضا و ریز سیستم‌های خانواده از اهمیت بسیاری برخوردار است که دیدگاه ساختاری می‌تواند از طریق بازسازی مرزهای معیوب و بهبود الگوهای ارتباطی بین اعضا در کاهش میزان تعارضات بین والدین و فرزندندان سودمند باشد و موجب بهبودی روابط بین آنها گردد. باتوجه به اینکه روش برخورد والدین با مشکل وابستگی به بازی‌های کامپیوتری در شدت یا کاهش دادن رفتار کودک بسیار موثر است (سرومانسی و همکاران^۶، ۲۰۲۰).

تعامل والد- فرزند یک رابطه مهم و حیاتی برای ایجاد امنیت و عشق است. رابطه بین والدین و فرزندندان نخستین معرف دنیای ارتباطات برای کودک می‌باشد، احساس عشق، صمیمیت و امنیت به‌طور مستقیم ریشه در این روابط دارند (کارنس هولت^۷، ۲۰۱۲). کیفیت روابط والد کودک در سال‌های اولیه کودکی، مبنای تحول شناختی، اجتماعی و هیجانی آینده او را پایه‌گذاری می‌کند (ملا حسینی، ۱۳۹۷). از این رو نفوذ والدین تنها در جنبه‌ی ارثی خلاصه نمی‌شود و انتخاب سبک تعاملی مناسب و افزایش انسجام خانوادگی می‌تواند در شکل‌گیری حرمت خود فرزندندان تأثیر مهمی داشته باشد (شاملو، ۱۳۹۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عوامل خانوادگی از پیش‌بین‌های قوی بروز مشکلات رفتاری کودکان است و کودکانی که مشکلات رفتاری کمتری بروز می‌دهند والدینی دارند که رفتارهای والدگری موثرتری را به‌کار می‌گیرند (هاگز، سکیراس و گلدفیلد^۸، ۲۰۲۲).

در تعیین رفتار بارز و آشکار کودک، واکنش‌های عاطفی، ادراک، نگرش‌ها و ارزش‌های او، خانه و خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است، خود‌پنداشت و احساس ارزشمندی کودک از نگرش اعضای خانواده نسبت به او، نشأت می‌گیرد، بنابراین آثار و نفوذ خانواده در رشد کودک بی‌شمار است، جو خانوادگی که شامل روابط والدین نسبت به فرزندندان، فرزندندان نسبت به یکدیگر و والدین نسبت به هم است، می‌تواند در ایجاد سازش کودک تسهیل‌کننده و یا بازدارنده باشد (احدی، حجازی و به‌پژوه، ۱۳۹۳). لذا، یکی از انواع برنامه‌های خانواده درمانی، برنامه فرزندپروری است که برنامه‌ای چند سطحی با جهت‌گیری پیشگیرانه و راهبردی حمایتی خانواده است. این برنامه توسط ساندرز و همکاران در دانشگاه کویینزلند در بریسان استرالیا ایجاد شده است (ساندرز، ۱۹۹۹؛ به نقل

- 1- Walsh
- 2- Iiu, Fang, Yan, Zhou & et al
- 3- Leung, and Lee
- 4- Şenormanci and et al.
- 5- Carnes holt
- 6- Hughes, Sciberras & Goldfeld

از ساندرز؛ ۲۰۰۳). این برنامه، پنج سطحی طولی دارد که برای سطوح مختلف حمایتی که والدین نیاز دارند، طراحی شده است و هدف آن کاهش عوامل خطر زا و پیشگیری از مشکلات رشدی، هیجانی و رفتاری در کودکان می‌باشد که به وسیله افزایش آگاهی و مهارت و اعتماد به نفس والدین صورت می‌گیرد. هدف این برنامه، تعیین مداخله تقریباً مکفی است که یک والد برای دور کردن فرزندش از مشکلات بیشتر نیاز دارد (ترنر^۱ و ساندرز، ۲۰۰۶). به طور خاص هدف این برنامه: ۱- افزایش سواد، مهارت‌ها، اطمینان و خودکارآمدی والدین ۲- ایجاد محیط پرورش دهنده ایمن، تشویق کننده، عاری از خشونت و با تعارض پایین برای کودکان ۳- ارتقا کارایی اجتماعی، هیجانی، کلامی، هوشی و رفتاری کودکان از طریق اقدامات فرزندپروری می‌باشد. دلیل منطقی برای سطح بندی این برنامه، وجود سطوح مختلف اختلال در عملکرد و رفتار کودکان و نیز نیازهای گوناگون والدین آن‌ها می‌باشد. علاوه بر این در طراحی این برنامه به حداکثر رساندن کارایی، محدود کردن هزینه‌ها، جلوگیری از اسراف و خدمات دهی گسترده در سطح جامعه نیز منظور شده است (ترنر و همکاران، ۲۰۰۲). فرزندپروری شامل این موارد است: محیطی امن، تقویت رفتار مثبت، ایجاد محیط مثبت یادگیری، داشتن انتظارات واقع‌گرایانه و مراقبت از خود به عنوان والد (استریت^۲، ۲۰۰۵). این رویکرد به درمان و پیشگیری اختلالات کودکی، قوی‌ترین حمایت تجربی را نسبت به سایر مداخلات در حوزه کودکان به ویژه مداخلات مرتبط با مشکلات سلوک داشته است (کازدین، ۱۹۷۸؛ ساندرز، ۱۹۹۶؛ تیلور و بیگن^۳، ۱۹۹۸؛ وبستر- استرتون و هاموند^۴، ۱۹۹۷؛ به نقل از ساندرز، ۲۰۰۳). بسیاری از اصول و روش‌های این برنامه به طور موفقیت آمیزی در درمان مشکلات شدید رفتاری مانند اختلال بی‌اعتنایی مقابله‌ای، اختلال سلوک و بالاخره اختلال بیش‌فعالی و کمبود توجه به کار رفته است (ترنر و همکاران، ۲۰۰۲). این رویکرد می‌تواند برای دیگر مشکلات بالینی هم با موفقیت به کار گرفته شود مثل اختلال اضطرابی، اوتیسم، عادت‌ها و دیگر مشکلات رایج کودک (ساندرز، ۲۰۰۳). این برنامه واکنش‌های عاطفی مضطرب کننده را که شامل افسردگی، عصبانیت، اضطراب و سطوح بالای استرس است را مورد بررسی قرار می‌دهد. این اضطراب‌ها از طریق بهبود مهارت‌های والدینی که حس بی‌پناهی و افسردگی و استرس را کاهش می‌دهند، سبک‌تر و کم‌تر می‌شود (دانشگاه کویزلند، ۲۰۰۳). همچنین ساندرز (۲۰۰۳) این برنامه را مختصر، مقرون به صرفه و با اثرات چشمگیر بر مهارت‌های درمانگر، اعتماد به نفس وی و رضایتمندی از مشاوره والدین کودکان مبتلا به مشکلات رفتاری توصیف کرده و بکارگیری آن در سطح بهداشت عمومی و در راستای پیشگیری از سایکوپاتولوژی کودکان پیشنهاد کرده‌اند (فرمند، ۱۳۸۵).

برنامه فرزندپروری از ۵ سطح درمانی مناسب برای والدین کودکان و دوره پیش نوجوانی یعنی از ابتدای تولد تا ۱۲ سالگی تشکیل شده است. سطح اول شامل اطلاع رسانی عمومی است که از طریق رسانه‌ها برای همه والدین علاقه‌مند، اطلاعات سودمندی در مورد والدگری فراهم می‌کند. هدف از این سطح درمانی، ارتقا آگاهی جامعه از منابع والدگری و ایجاد حس خوش‌بینی برای رفع نگرانی‌های رایج والدین به وسیله شرح راه‌حل‌ها می‌باشد. سطح دوم شامل مشاوره‌های کوتاه مدت در سرویس‌های مراقبت اولیه برای مشکلات خفیف رفتاری است که در ۲ جلسه درمانی، به منظور پیشگیری صورت می‌گیرد. سطح سوم از ۴ جلسه درمانی تشکیل شده است که هدف از آن آموزش فعال مهارت‌ها به والدین کودکان مبتلا به اختلالات خفیف و متوسط رفتاری است. سطح چهارم شامل ۱۰ جلسه آموزشی فردی یا ۸ جلسه آموزش گروهی برای والدین کودکان مبتلا به اختلالات شدید رفتاری است و سطح پنجم برای والدینی استفاده می‌شود که علاوه بر مشکلات والدگری دچار سایر اختلالات خانوادگی مثل تعارضات رابطه‌ای، افسردگی والدینی به سطح بسیار بالای استرس نیز هستند. به طور کلی می‌توان گفت که برنامه فرزند پروری برنامه‌ای چند کاربردی است که در شرایط متفاوت به طور موثر قابل استفاده می‌باشد (ساندرز، ۲۰۰۵).

برنامه گروهی فرزندپروری یکی از ۵ سطح مداخله خانوادگی است که به ویژه به عنوان مداخله زودرس برای والدین کودکان ۲ تا ۱۲ ساله‌ای به کار می‌رود که هم اکنون دچار و یا در معرض خطر پیدایش مشکلات شدید رفتاری، هیجانی و تکاملی، از طریق افزایش آگاهی، مهارت، تعهد و اطمینان والدین می‌باشد. هدف ای برنامه افزایش صلاحیت والدینی و اعتماد آنان در بزرگ کردن کودکان به وسیله این موارد است.

افزایش صلاحیت والدین در مدیریت مشکلات رایج رفتاری و مسائل رشدی

کاهش استفاده‌ی والدین از روش‌های استبدادی در تربیت کودکان

بهبود ارتباطات والدین در مورد مسائل فرزندپروری

کاهش استرس والدینی مربوط به بزرگ کردن کودکان

1. Turner
2. Street
3. Taylor & Biglan
4. Hammond

این نتایج با ایجاد یک محیط یادگیری حمایتی برای والدین به دست می‌آید. والدین می‌توانند ایده‌هایشان را درباره فرزندپروری به شور بگذارند و اطلاعاتی درباره مهارت‌های آن به دست بیاورند (ترنر و همکاران، ۲۰۰۲). این برنامه یک برنامه‌ی ۸ جلسه‌ای در گروه‌های ۱۲-۱۰ نفره از والدین است که یک فرآیند آموزشی فعال مهارت‌ها را برای کمک به والدین در به دست آوردن دانش و مهارت دارد (دانشگاه کوپنلند، ۲۰۰۳). اگر چه این روش به شکل راهبرد عمومی تقویت فرزندپروری طراحی شده و هر پدر و مادر علاقه‌مندی می‌تواند از آن بهره‌مند گردد. اما هدف این برنامه پیشگیری از مشکلات شدید رفتاری، هیجانی، رشدی از طریق افزایش آگاهی، مهارت و تعهد و اطمینان والدین می‌باشد (اسمال و متر، ۲۰۱۹).

۱-۳- اصول و محتوای برنامه فرزندپروری

۱- محتوای این برنامه بر اساس مدل یادگیری اجتماعی است که تعامل والد-کودک و ماهیت دو سویه بودن این تعاملات را برجسته می‌سازد (پاترسون، ۱۹۸۲)، این مدل، آن دسته از مکانیسم‌های یادگیری را که الگوهای ناکارآمد و استبدادی تعاملات خانواده را حفظ و نگهداری می‌کند، شناسایی کرده و رفتارهای اجتماعی آتی را در کودکان پیش بینی می‌کند. در نتیجه برنامه به والدین مهارت‌های مثبت برای جایگزینی اعمال اجباری و اسبدادی فرزندپروری آموزش می‌دهد.

۲- پژوهش در مورد رفتار درمانی خانواده و کودک و تحلیل‌های کاربردی رفتار که منجر به استرژ‌های مفید تغییر دهنده رفتار شده است، خصوصاً پژوهش‌هایی که روی نظم بخشی مجدد سابقه مشکل رفتاری، از طریق طرح محیط‌های مثبت بیشتر برای کودکان تاکید دارد.

۳- تحقیقات توسعه یافته روی فرزندپروری در بافت‌های زندگی روزمره که صلاحیت‌های کودکان را در موقعیت‌هایی که به طور طبیعی رخ می‌دهد، شناسایی می‌کند. خصوصاً موقعیت‌هایی که باید آن‌ها را در منشأ این دو مورد جستجو کرد: صلاحیت‌های هوشی و اجتماعی و روابط اولیه والد-فرزند. آموزش والدین، خطر افزایش مشکلات عاطفی و رفتاری کودکان را کاهش می‌دهد، طوری که والدین بتوانند از تعاملات روزمره طبیعی برای آموزش مهارت‌های کلامی و اجتماعی، صلاحیت‌های رشدی و مهارت‌های حل مسأله در محیطی عاطفی-حمایتی، به فرزندانشان استفاده کنند. تأکید خاصی روی آموزش اتفاقی یعنی تعاملاتی کودک خود آغازگر آن است، وجود دارد. اگر کودکان نتوانند صلاحیت‌های کلامی را فراگیرند و همین‌طور نتوانند در طول دوران کودکی تکانش را کنترل کنند، در معرض خطر پیامدهای رشدی نامطلوب مثل مشکلات رفتاری قرار می‌گیرند.

۴- مدل پردازش اطلاعات اجتماعی که نقش مهم شناخت‌های والدین مثل نگرش‌ها، انتظارات و اعتقادات را به عنوان عواملی که خود کارآمدی والدین، تصمیم‌گیری و مقاصد رفتاری آن‌ها سهیم هستند، برجسته می‌سازد. این برنامه، نگرش‌های والدین را از طریق تشویق والدین به شناخت توضیحات عملی متناوب اجتماعی برای رفتار کودکشان، مورد توجه قرار می‌دهد.

۵- این برنامه عوامل خطر ساز امور ضعف مدیریتی والدین، اختلافات زناشویی و استرس و افسردگی آنان را مورد توجه قرار می‌دهد. امور استبدادی والدین در فرآیند آموزش فعال مهارت‌ها قرار می‌گیرد که باعث می‌گردد والدین توانایی از بین بردن سیکل‌های منفی مداخلات والد-فرزند را پیدا کنند. ناسازگاری والدین یکی از عوامل خطر ساز برای فرم‌های روان‌سنجی کودکان و نوجوانان است، از این رو این برنامه، کار گروهی و همکاری را در بین کسانی که در بزرگ کردن کودک مشارکت دارند پرورش می‌دهد. بهبود ارتباط والدین، عامل مهمی برای کاهش تعارضات والدین در مورد مسائل کودک است و مشکلات فردی هر کدام از والدین و کودکانشان در روابط تعارض‌آمیز را کاهش می‌دهد. همچنین ساندروز و همکاران (۲۰۰۷) گزارش کرده‌اند که TRIPLE P عوامل استرس‌زای والدین را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و عواملی مثل افسردگی، عصبانیت، اضطراب و سطوح بالای استرس می‌توانند از طریق بهبود مهارت‌های والدینی کاهش یابند.

۶- رویکرد سلامت جمعی و عمومی در زمینه مداخلات خانواده، همانطور که بیگلان^۱ (۱۹۹۵) اشاره کرده، کاهش رفتار ضد اجتماعی در کودکان مستلزم یک بافت جمعی و عمومی برای والدین است. هدف از استرژ‌های پیشرفتی سطح اول TRIPLE P، به عنوان بخشی از یک سیستم وسیع‌تر مداخله، ایجاد تغییرات در بافت وسیع‌تر بوم شناسی والدینی است. این تغییر با طبیعی کردن تجارب والدین (خصوصاً فرآیند شرکت در آموزش والدین) و نیز با شکستن احساس تنهایی والدین و مهم دانستن مشکلات فرزندپروری صورت می‌گیرد (ترنر و همکاران، ۲۰۲۰). شیوع رو به افزایش مشکلات سلوک در کودکان موجب شده است که این اختلالات جزء اصلی بیماری‌های کودکان قرار گیرد. از سوی دیگر، هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی ناشی از چنین مشکلاتی و نیز جوان بودن و شرایط در حال توسعه کشور ما، لزوم توجه به این مشکلات را بیشتر می‌کند. مشخصه‌های خاص این کودکان موجب شده است که والدین و به ویژه مادران آن‌ها فشارهای والدینی بیشتری از سایر مادران متحمل شوند و اثرات مخرب چنین

1. Biglan

استرسی بر بهداشت روانی و من جمله احساس صلاحیت والدگری آن‌ها، موجب تشدید مشکلات سلوک خواهد شد. به طوری که این مسأله خانواده را در چرخه‌ای معیوب و دائمی گرفتار می‌کند.

۲- پیشینه پژوهش

شهیم (۱۴۰۱) به بررسی پرخاشگری رابطه‌ای در کودکان پیش دبستانی پرداخت. وی بیان نمود ن پیش دبستانی از سه سالگی در روابط با همسالان از پرخاشگری رابطه‌ای استفاده کرده و موجب حذف برخی کودکان از گروه و یا وادار ساختن دیگران به قطع رابطه با آنها شدند. تفاوت دختران و پسران در این زمینه معنی‌دار نبود. همچنین میزان رفتار پرخاشگرانه در رابطه با همسالان در سنین مختلف تغییر معنی‌دار نداشت. همچنین، دختران و پسران ایرانی از نظر پرخاشگری رابطه‌ای تفاوت معنی‌داری با یکدیگر ندارند. کودکانی که پرخاشگر رابطه‌ای به کار می‌برند نزد همسالان دارای محبوبیت هستند.

اسماعیل‌زاده (۱۴۰۱) به تبیین رابطه‌ی سواد تربیتی با هویت حرفه‌ای نومعلمان پرداخت. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه نومعلمان استان لرستان بود، که با بهره‌گیری از فرمول کوکران حجم نمونه برابر با ۲۵۵ نفر تعیین گردید، نمونه آماری به شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای از مناطق مخلف آموزشی در استان، انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌های آماری از پرسشنامه‌های محقق ساخته هویت حرفه‌ای و سواد تربیتی در دو بعد نگرش و روش تربیتی با روایی صوری و محتوایی قابل قبول و پایایی بالای ۰/۷۰ استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری از نرم افزار SPSS استفاده شد. یافته‌ها نشان داد؛ میانگین نمره نومعلمان در تمامی ابعاد متغیرهای هویت حرفه‌ای و سواد تربیتی در حد متوسط بود. در مولفه‌های برخورد با دانش آموزان خاطی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات میانگین در حد زیاد و در ارتباط با ابعاد ایجاد روحیه همکاری، مسئولیت پذیری، هویت ملی- مذهبی، حقوق اجتماعی- مدنی، آشناسازی دانش مربوط به متغیر سواد تربیتی از میانگین در حد کمتر از متوسط برخوردار بودند و مولفه‌های در نظر گرفتن خود به عنوان یک معلم و اطمینان به معلم خوب بودن از هویت حرفه‌ای نومعلمان در حد پایین‌تر از متوسط قرار داشت. می‌توان نتیجه گرفت لزوم بازنگری در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های درسی مبتنی بر تغییر نگرش تربیتی و آموزش روش‌های تربیتی جهت افزایش سواد تربیتی معلمان و بازنگری در جذب نیروهای آموزشی بیشتر از گذشته نمایان می‌شود. قره‌داغی و امانی (۱۴۰۱) به اثربخشی آموزش مهارت فرزندپروری مثبت (Triple P) بر کیفیت رابطه والد-کودک، خودکارآمدی والدگری و کنترل عواطف مادران دارای کودکان طلاق پرداختند. روش پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری با گروه کنترل بود. جامعه آماری ۳۰ نفر از مادران دارای کودکان طلاق بودند که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به صورت گمارش تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری کنترل و آزمایش قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های خودکارآمدی والدگری، کیفیت رابطه مادر- کودک و کنترل عواطف گردآوری شدند. برنامه فرزندپروری مثبت در ۸ جلسه به صورت گروهی برای گروه آزمایش اجرا گردید و بر روی گروه کنترل مداخله‌ای صورت نپذیرفت. دو گروه در پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری (فاصله یک ماهه) شرکت نمودند. نتایج تحلیل واریانس حاکی از آن بود که گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل پس از مداخله کنترل عواطف بیشتری نشان دادند و همچنین کیفیت رابطه مادر- کودک در گروه آزمایش بهبود یافت. برنامه فرزندپروری مثبت همچنین منجر به ارتقاء خودکارآمدی والدگری مادران شد. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که از این برنامه جهت کمک به مادران دارای کودکان طلاق در راستای کیفیت رابطه مادر- کودک، خودکارآمدی والدگری و کنترل عواطف استفاده کرد. فروغی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به تأثیر آموزش کنترل خشم بر پرخاشگری دانش آموزان پسر ۱۴-۱۲ ساله پرداختند. در این پژوهش نیمه آزمایشی ۱۰۰ دانش آموزان پسر ۱۴-۱۲ ساله با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده و پرسشنامه پرخاشگری (شامل مؤلفه‌های رفتار، نگرش و احساس پرخاشگرانه)، بر روی آنها اجرا گردید. سپس ۳۰ نفر از افرادی که در آزمون نمره بالاتر از میانگین (بالاتر از ۳۸) اخذ کرده بودند، به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری: آزمایش و گواه جای داده شدند. گروه آزمایش طی ۸ جلسه‌ی ۶۰ دقیقه‌ای تحت آموزش کنترل خشم قرار گرفتند، گروه کنترل هیچ‌گونه مداخله‌ای دریافت نکردند. داده‌ها با استفاده از آمار تو صیفی و استنباطی (تحلیل واریانس با سنجش‌های تکراری) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که آموزش کنترل خشم منجر به کاهش هر سه مؤلفه رفتار، احساس و فکر پرخاشگرانه شرکت کنندگان می‌گردد. یافته‌های این تحقیق، حاکی از آنست که روش آموزش کنترل خشم می‌تواند از طرفی باعث افزایش توانایی کنترل و پیشگیری از خشم و از طرف دیگر باعث بهبود توانایی در استدلال اخلاقی دانش‌آموزان پسر گردد. در مطالعات خارجی نیز، کلالیلو و جانستون^۱ (۲۰۱۶) در تحقیقی بیان نمودند که برنامه آموزش والدین می‌تواند باعث ارتقاء رفتار مناسب در کودکانی شده است که پدرانشان در این جلسات شرکت کرده اند، حتی هنگامی که با محرومیت‌هایی همچون فقر، وضعیت اجتماعی- اقتصادی ضعیف روبرو می- شوند. فورهند، لافکو، پارت و بارت^۲ (۲۰۱۴) بیان نمودند که آموزش مدیریت والدین باعث تغییر شناختی - عاطفی پدر و مادر

1- Colalillo & Johnston

2- Forehand, Jones & parent

و تغییر متقابل رفتار کودک می‌شود و منجر به افزایش آگاهی والدین از طرز برخورد با کودکان، مهارت کنترل عواطف در مقابل رفتار کودکان، گذاشتن قوانین و مقررات مناسب در خانه شده است. لی، گارلند و هوارد^۱ (۲۰۱۴) نشان دادند که افراد دارای اعتیاد به اینترنت در مقایسه با افراد غیر معتاد، فضای خانوادگی بدتری داشته و احساس می‌کنند والدین محبت کمتری نسبت به آنها ابراز کرده‌اند. سنورمانکی، سنورمانکی، گوکلو و کونکان^۲ (۲۰۱۴) در مطالعات خود نشان دادند که کارکرد خانواده و تعارضات خانوادگی با اعتیاد به اینترنت در جوانان مرتبط‌اند و افراد وابسته به اینترنت در خرده مقیاس‌های کارکرد خانواده تفاوت معناداری با گروه کنترل نشان می‌دهند. فرگوسن و السون^۳ (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی اثرات مخرب بازی‌های رایانه‌ای بر نوجوانان پرداختند و بیان نمودند ساختار برگشت‌پذیری و منعطف عامل پرخاشگری این گروه سنی می‌شود. فیلین و ماریه^۴ (۲۰۱۳) تاثیر بازی ویدئویی فعال و غیر فعال را بر کودکان ۷ تا ۱۲ ساله بررسی کردند، با استفاده از تست استروپ و فلانکر پیش‌آزمون و پس‌آزمون انجام شد. نتایج نشان داد هر دو نوع بازی‌ها بر کارکردهای اجرای کودکان تاثیر مثبت داشته‌اند. نتایج تحقیقات اولدسن و همکاران^۵ (۲۰۱۲) نشان داد بازی‌های خشن ویدئویی که به صورت دسته‌جمعی یا رقابتی انجام می‌شود، بر نحوه‌ی رفتار گروهی فرد و در عین حال رقابتی او تاثیر می‌گذارد و بافت اجتماعی بازی، بیشتر از محتوای خود بازی بر رفتار آینده فرد موثر است.

۳- مبانی نظری

۳-۱- تعریف سواد عاطفی

در گذشته نه‌چندان دور، سواد به توانایی خواندن و نوشتن در سطح متوسط اطلاق می‌شد، به طوری‌که کسانی که توانایی خواندن و نوشتن را دارا بودند، افراد باسواد و مقابل آن بی‌سواد اطلاق می‌کردند. اندیشمندان سواد را شالوده‌ی آگاهی‌ها و تفکر انسان می‌دانند. طبق تعریف، سواد به طیفی از توانمندی‌های مورد نیاز برای برقراری ارتباط با دیگران از طریق گفتگو، خواندن، نوشتن و استفاده از ریاضیات اطلاق می‌شود که با به کارگیری رسانه‌ها و فن‌آوری‌های مختلف به ظهور می‌رسد و هدف آن ارتقای زندگی روزمره، مشارکت جمعی، حل مسائل بشری و توسعه‌ی ظرفیت‌های فردی و اجتماعی انسان و جامعه اوست (عظیمی، ۱۳۹۸). سازمان ملل در دهه دوم قرن ۲۱ با هدف تغییر ماهوی در تعریف سواد، آن را شامل مهارت‌هایی دانست که داشتن این توانایی‌ها و مهارت‌ها مصداق باسواد بودن قرار گرفت. با این حال و به تازگی «یونسکو» یک بار دیگر در تعریف سواد تغییر ایجاد کرد. در این تعریف جدید، توانایی ایجاد تغییر، ملاک باسوادی قرار گرفته است به طوری‌که شخص باسواد باید قادر باشد با استفاده از خواننده‌ها و آموخته‌های خود، تغییری در زندگی خود ایجاد کند. یکی از مهارت‌های ۱۲گانه مورد نظر سازمان ملل، سواد تربیتی است.

سواد عاطفی به عنوان توانایی نام‌گذاری و توصیف هیجان‌های احساس‌شده، درک چرایی آن هیجان‌ها، بیان آن‌ها به افراد دیگر و کنترل هیجان‌ها تعریف شده است. سواد عاطفی می‌تواند از فاصله عاطفی میان کودک و والد بکاهد و به واسطه افزایش مهارت‌های تنظیم هیجانی مانند آگاهی هیجانی و پاسخگویی مثبت هیجانی بر روابط اثر بگذارد (براندو^۶ و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین سواد عاطفی افراد بر کیفیت و چگونگی تنظیم هیجان‌ها در روابط بین‌فردی اثرگذار است (کامومی^۷ و همکاران، ۲۰۲۱). سواد عاطفی، ریشه در یافته‌های پژوهشی دارد، به گونه‌ای که نقش هوش هیجانی را در زبان پرنرگ می‌سازد (ایوانو و میکان^۸، ۲۰۲۲).

۳-۲- تعریف سواد تربیتی

سطح آگاهی و دانش والدین از مسائل تربیتی کودکان و خردسالان عامل بسیار مهمی در تربیت اجتماعی و عاطفی فرزندان است و نخستین گام برای کسب آگاهی و دانش، سواد آموزی است. سواد تنها خواندن و نوشتن نیست، از نظر یونسکو عدم آگاهی و دانش از مسائل تربیتی و عاطفی، بی‌سواد محسوب می‌شود (طالب‌زاده نوبریان، کاظمی و موسوی، ۱۳۹۵). فیلسوفان و جامعه‌شناسان و عالمان علوم تربیتی با گرایش‌های مختلف، اقدام به تعریف تربیت کرده‌اند به گونه‌ای که به ندرت می‌توان به تعریف واحدی دست یافت. افلاطون تربیت را عبارت از رساندن جسم و روح به بالاترین پایه کمال و جمال می‌داند، به

- 1- Li, Garland & Howard
- ۲- Senirmanci, Senormanci, Gucli & Konkan
- ۳- Ferguson, & Olson,
- ۴- Flynn & Marie
- ۵- Ewoldsen
- ۶- Brandão
- ۷- Kamomoe
- ۸- Ivanova, I. & Micane

نظر اسپنسر، تربیت مهیا کردن انسان است برای زندگی کامل است. ژان آموس کمینوس میگوید: آموزش و پرورش هنری است که افراد را برای زندگی آماده می کند و هدف این است که فرد دارای دانش، اخلاق و دین شود. دورکیم در این خصوص می گوید: تربیت عملی است که نسل‌های بزرگسال بر روی نسل‌هایی که هنوز برای زندگی اجتماعی پخته نیستند انجام می‌دهند و هدف آن این است که در کودک شماری از حالات جسمانی و عقلانی و اخلاقی را برانگیزد و پرورش دهد که جامعه سیاسی بر روی هم و نیز در محیط ویژه‌ای که فرد به نحو خاصی برای آن آماده می شود، اقتضا می‌کند (منادی، ۱۳۹۰: ۱۰۵). سیف (۱۳۹۰) تربیت را از فرایندی منظم و مستمر که هدف آن هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری، هنجارهای موردپذیرش جامعه و همچنین کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان است، می‌داند بطوری که دارای اصول و قوانین مهمی است. اصول تعلیم و تربیت، مفاهیم، نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی است که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، معلمان، مدیران، اولیاء فرهنگ و والدین دانش‌آموزان در کلیه اعمال تربیتی باشد. اصل منشأ انتخاب روش است. روش راه یا طریقی است که بین اصول و هدف امتداد دارد و عمل تربیتی را منظم می‌گرداند و سبب می‌شود که معلم به هدفش برسد (شریعتمداری، ۱۳۹۵). بر اساس تعریف سازمان ملل، سواد تربیتی سواد تربیتی عبارت است از توانایی تربیت فرزندان به نحو شایسته (یونسکو، ۲۰۱۲). همه فرهنگ‌های جوامع بشری محصولی از نظام تربیتی است، در واقع از آن‌جا که هر جامعه‌ای، تصویری از انسان تربیت یافته مطلوب خود ترسیم می نماید، معنا و غایت معینی برای تربیت در نظام ارزشی خود قائل است، لذا می‌کوشد تا افراد را بر اساس این تصور و معنا تربیت کند. در سند تحول بنیادین تربیت به معنای " فرایند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته ی هویت متربیان، به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد" تعریف شده است و هدف کلی تربیت این گونه تعریف شده است: " تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان به گونه ای که بتوانند در موقعیت خود و دیگران در هستی، را به درستی درک و آن را به طور مستمر با عمل صالح فردی و جمعی متناسب با نظام معیار اسلامی اصلاح نماید (قهرمانی‌فرد و عباس‌زاده، ۱۴۰۱). بنابراین پرداختن به سواد تربیتی به این دلیل حائز اهمیت است که کیمیای تربیت، ممکن است با عدم اطلاع و دانش کافی و سهل انگاری‌ها، تبدیل به خاکستر گردد و همه چیز را با خود به انهدام و نابودی بکشاند. به طور قطع یکی از نظام های مسئول در تربیت و پرورش انسانها در هر جامعه‌ای، نظام آموزش و پرورش است و یکی از بنیادی ترین عناصری که نظام آموزش و پرورش بر پایه ی آن استوار بوده معلم است، به طوری که در سال‌های اخیر اغلب متخصصان و سیاست‌گذاران تربیتی هر چه بیشتر دریافته‌اند که در مقایسه با سایر عوامل سخت افزاری و نرم افزاری هرگونه اصلاح و پیشرفت در تربیت فرزندان، به طور مستقیم به کیفیت عملکرد تربیتی معلمان وابسته بوده است (اسماعیل‌زاده، ۱۴۰۱).

۳-۳- پرخاشگری در کودکان

سال‌ها است که محققان به اهمیت پرخاشگری اولیه کودکی در پیش‌بینی مشکلات سازگاری روانی- اجتماعی آینده آن‌ها پی برده‌اند، به همین دلیل پژوهش‌های زیادی برای درک عوامل مؤثر بر شیوع رفتار پرخاشگرانه انجام داده‌اند. با این که اطلاعات قابل توجهی در رابطه با این موضوع جمع‌آوری شده است هنوز درک کاملی از مفهوم پرخاشگری وجود ندارد، زیرا از لحاظ تاریخی تمرکز عمدتاً روی شکل فیزیکی رفتار پرخاشگرانه معطوف بوده است. به عبارت دیگر، در گذشته تحقیقات متمرکز بر پرخاشگری آشکار بود که دربرگیرنده رفتارهای خصمانه نظیر ناسزاگویی، تهدید کلامی و داد و فریاد است که به‌طور مستقیم موجب آزار و اذیت دیگران می‌شود. اخیراً محققان مطالعه‌ی شکلی از پرخاشگری را شروع نموده‌اند که به پرخاشگری رابطه‌ای مصطلح است. آموزش والدین در رویکردهای مختلفی ارائه شده است. از جمله توماس گوردون^۱ (۱۹۷۰) آموزش اثرمندی والدین را بر اساس رویکرد شخص محور معرفی نمود که در آن تاکید بر شنیدن و پاسخ دادن همدلانه می‌باشد. رویکردهای رفتاری نیز مدل‌های متعددی را در مورد آموزش والدین ارائه داده‌اند. در مدل آموزه‌ای روابط غلط بین والدین و کودک در خانه بررسی می‌شود. پیش فرض این مدل، این است که مشکلات رفتاری در خانه ناشی از تعامل‌های ناکارآمد بین کودک و والدین است. در این مدل، درمان متمرکز بر کمک به والدین است تا تعامل‌های رفتاری خود را با کودکانشان ارزیابی نمایند و برای این منظور، از فنون ارزیابی مختلفی از جمله مشاهده رفتار و فهرست‌های وارسی بهره گرفته‌اند.

۴- روش پژوهش

پروتکل آموزش: شرح جلسات اجرایی پروتکل "آموزش سواد عاطفی- تربیتی در جهت بهبود رابطه والد- فرزند (کودکان پیش دبستانی دارای مشکل پرخاشگری)" در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۱- خلاصه موضوعات ارائه شده در جلسات آموزش سواد عاطفی- تربیتی در جهت بهبود رابطه والد- فرزند

خلاصه مطالب	جلسات
<p>۱- آشنایی با اعضای گروه و توضیح اجمالی در مورد متغیر مربوطه در جلسات آموزشی</p> <p>۲- توضیح در مورد قوانین اساسی برای گروه و تدوین قوانین اساسی گروه</p> <p>۳- توضیح در مورد متغیر پژوهش</p> <p>- نشانه های پرخاشگری</p> <p>- انواع پرخاشگری</p> <p>- علل پرخاشگری</p> <p>- سایر اختلالاتی که با پرخاشگری همبودی و همپوشی دارند</p> <p>- نام بردن انواع روش های درمانی برای پرخاشگری</p> <p>۴- توصیف اجمالی در مورد فرزند پروری صحیح و هدف استفاده از آن برای کنترل پرخاشگری در کودکان</p> <p>۵- خلاصه جلسه</p> <p>هدف: آشنایی با پرخاشگری و علائم مشکلات آن و برنامه آموزش رابطه والد- فرزند به منظور برجسته کردن لزوم چنین برنامه های آموزشی و ایجاد انگیزه و جلب همکاری آنها</p>	جلسه اول
<p>۱- مرور جلسه پیش</p> <p>۲- بیان اهداف و مفاهیم ضروری و نیز آموزش مهارت پاسخ دهی انعکاسی</p> <p>۳- جنبه های مهم فرزندپروری مثبت</p> <p>۴- ایجاد محیطی امن</p> <p>۵- ایجاد محیط مثبت یادگیری</p> <p>۶- استفاده از قانون ابراز وجود</p> <p>۷- داشتن توقعات واقعی</p> <p>۸- مراقبت از خود به عنوان یک والد</p> <p>۹- دلایل پرخاشگری و دیگر مشکلات رفتاری کودکان</p> <p>۱۰- علل ژنتیکی</p> <p>۱۱- علل خانوادگی (پاداش های اتفاقی به رفتارهای منفی، تله اصرار کردن، نادیده گرفتن رفتارهای مطلوب، الگو گرفتن، نحوه ارائه دستورالعمل ها، پیام های هیجانی).</p> <p>۱۲- علل مربوط به محیط خارج از خانه (همسالان و دوستان، پیش دبستان، رسانه های گروهی، موبایل و تکنولوژی)</p> <p>۱۳- چگونگی ثبت رفتار و ارائه جداول ثبت آنها</p> <p>۱۴- خلاصه جلسه</p> <p>۱۵- تکلیف منزل:</p> <p>۱۶- رفتارهای نادرست کودک خود را با استفاده از جدول و نمودار داده شده در طول هفته آینده ثبت کنید.</p> <p>هدف: آشنایی با برنامه رابطه والد- فرزند صحیح.</p> <p>آماده سازی والدین برای اجرای جلسات بازی در منزل به وسیله مرور پاسخدهی انعکاسی؛ آشنا سازی والدین با اصول پایه جلسات بازی و اهمیت ایجاد ساختار برای جلسات بازی، انتخاب اسباب بازی و زمان و مکان مناسب برای جلسات بازی با کودک؛ ایفای نقش و نشان دادن مهارت های اساسی جلسات بازی.</p>	جلسه دوم
<p>۱- مرور جلسه دوم</p> <p>۲- بررسی تکالیف جلسه دوم و ارائه بازخورد</p> <p>۳- تقویت رابطه والد - کودک با ایجاد روابط مثبت با کودکان</p> <p>- صرف وقت کافی و با کیفیت با کودکان</p> <p>- گفتگو با کودک</p> <p>- نشان دادن محبت و علاقه</p> <p>۴- تشویق و تقویت رفتار مطلوب</p> <p>انواع تقویت کننده ها</p> <p>- حسن غرور و افتخار شخصی</p> <p>- توجه مثبت (کلامی و غیر کلامی)</p> <p>- امتیاز دادن و فعالیت های سرگرم کننده</p> <p>- انجام یک فعالیت مشترک با کودک با عنوان نوعی امتیاز</p> <p>- پاداش های عینی</p> <p>۵- نحوه ارائه تحسین کلامی</p> <p>- توجه کودک را جلب کنید.</p> <p>- رفتار مورد نظر را توصیف کنید (تحسین توصیفی)</p> <p>- با حرارت تشویق کنید.</p> <p>- صادق باشید.</p>	جلسه سوم

<p>۶- روش های آموزش مهارت‌ها و رفتارهای جدید</p> <p>-ارائه نمونه‌ای مناسب از طریق الگو سازی</p> <p>-استفاده از آموزش اتفاقی</p> <p>-تشویق استقلال فردی از طریق روش پیرس بگو و انجام بده</p> <p>-استفاده از چارت رفتاری</p> <p>۷- توضیح در مورد بایدها و نبایدهای جلسه بازی؛ ایفای نقش بایدها و نبایدهای جلسه بازی؛ و ارائه فهرست فرایند جلسه بازی به والدین همراه با رهنمودهای تکمیلی. جلسه چهارم: بررسی گزارش والدین از جلسه بازی با کودک؛ نقد فیلم ویدئویی تهیه شده توسط والدین از جلسات بازی مخصوص کودکان؛ آموزش مهارت تنظیم محدودیت به روش سه مرحله‌ای A-B-C، توضیح در مورد چرایی و اهمیت وضع قوانین و محدودیت‌ها؛ ایفای نقش مهارت تنظیم محدودیت.</p> <p>۸- خلاصه جلسه</p> <p>۹- تکلیف منزل</p> <p>-استفاده از روش آموزش اتفاقی و پیرس، بگو، انجام بده در طول هفته و ثبت آن در جدول ارائه شده</p> <p>هدف: تقویت تعاملات مثبت بین والد و کودک و ارائه راهکارهایی به منظور ایجاد یک ارتباط به عنوان نخستین گام مهم در کنترل کودک و همچنین آموزش راهکارهایی برای ایجاد رفتاری مطلوب در کودک</p>	
<p>۱- مرور جلسه سوم</p> <p>۲- بررسی تکالیف و دادن بازخورد</p> <p>۳- شیوه های برخورد با رفتار مشکل آفرین (مدیریت پرخاشگری کودک)</p> <p>-ایجاد قوانین و مقررات واضح و بدون ابهام</p> <p>-برخورد یا نقض قوانین و مقررات از طریق بحث هدایت شده جهت دار</p> <p>-استفاده از روش نادیده گرفتن برای برخورد با مشکلات خفیف پرخاشگری</p> <p>-آموزش و دستورالعمل‌های آرام و واضح دادن</p> <p>۴- چگونگی ارائه دستورالعمل</p> <p>- به کودک نزدیک شوید و توجه او را به خود جلب کنید.</p> <p>- از زبان بدن مناسب استفاده کنید.</p> <p>- به کودک بگویید از چه انتظاری دارید (ارائه دستورالعمل به صورت آرام، واضح، دقیق، مختصر و گزاره‌ای)</p> <p>- به کودک فرصت بدهید (۵ ثانیه)</p> <p>- در صورت اطاعت تحسین کنید.</p> <p>- در صورت عدم اطاعت دستورالعمل را فقط یک بار تکرار کنید.</p> <p>- به کودک فرصت بدهید (۵ ثانیه)</p> <p>- در صورت عدم اطاعت، کودک را با پیامدهای منطقی رفتار مواجه سازید.</p> <p>۵- پیامدهای منطقی رفتار (برای رفتار شدید)</p> <p>-استفاده از روش محرومیت</p> <p>-استفاده از روش سکوت</p> <p>-استفاده از روش اخراج کردن</p> <p>۶- مشکلات رایج در روش اخراج کردن</p> <p>۷- بررسی گزارش والدین از جلسات بازی و نقد فیلم ویدئویی ضبط شده توسط آنها؛ مرور مهارت تنظیم محدودیت و تمرین آن به صورت ایفای نقش.</p> <p>۸- خلاصه جلسه</p> <p>۹- تکلیف منزل</p> <p>-تشکیل جلسه خانوادگی و وضع ۴-۵ قانون اساسی در منزل</p> <p>-انجام سه مورد دستورالعمل به روش آموزش داده شده و ثبت آنها در جداول مربوطه</p> <p>-یادداشت یکی از موارد استفاده از بحث جهت دار با کودک در جدول ارائه شده</p> <p>هدف: آموزش مهارت‌هایی به والدین به منظور کنترل پرخاشگری خفیف و شدید کودک</p>	جلسه چهارم
<p>۱- مرور جلسه چهارم</p> <p>۲- بررسی تکالیف و دادن بازخورد</p> <p>۳- پندهایی جهت بقای خانواده</p> <p>-به صورت یک گروه عمل کنید.</p> <p>-پرهیز از جر و بحث و مشاجره</p> <p>-استفاده از حمایت‌های اجتماعی اطرافیان</p> <p>-استفاده از زمان استراحت و تفریح</p> <p>۴- تشخیص موقعیتهای دردرس ساز</p> <p>۵- گام‌های فعالیت برنامه‌ریزی شده:</p> <p>-از قبل آماده باشید</p> <p>-با کودکان در مورد اصول و قوانین صحبت کنید</p> <p>-فعالیت‌های سرگرم کننده را انتخاب کنید.</p> <p>-برای رفتار مثبت پاداش بدهید.</p> <p>-برای رفتار پرخاشگری کودک از پیامدها استفاده کنید.</p>	جلسه پنجم

<p>- یک بحث پیگیرانه داشته باشید.</p> <p>۶- بررسی گزارش والدین از جلسات بازی و نقد فیلم ویدئویی ضبط شده توسط آنها؛ تهیه پوستری از بایدها و نبایدهای جلسات بازی، آموزش مهارت دادن حق انتخاب به کودک.</p> <p>۷- خلاصه جلسه</p> <p>۸- تکلیف منزل</p> <p>- موقعیت های دردرس ساز را تشخیص داده و لیست کنید و چگونگی مراحل را در جدول ارائه شده یادداشت نمایید.</p> <p>- استفاده از پندهای بقای خانواده و ثبت آن در جدول ارائه شده.</p> <p>هدف: آموزش چگونگی کنترل کودک در موقعیت هایی که کنترل به حداقل میرسد و نیز ارائه راهکارهایی به منظور بقای خانواده.</p>	
<p>در این دو جلسه مشکلات والدین در اجرای دستورات و نحوه برقراری ارتباط با کودک مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مورد موضوعات مطرح شده در جلسات پیشین صحبت شده و جلسات به صورت پرسش و پاسخ انجام می‌شود و در صورت لزوم آموزش‌ها با ذکر مثال برای والدین مجدداً بیان می‌گردد. همچنین، بررسی گزارش والدین از جلسات بازی و نقد فیلم ویدئویی ضبط شده توسط آنها؛ حمایت و تشویق والدین در استفاده از مهارت‌ها؛ آموزش مهارت ای سازنده عزت نفس؛ ایفای نقش مهارت های تنظیم محدودیت، پاسخدهی انعکاسی، و پاسخ‌های سازنده عزت نفس. آموزش مهارت تشویق در برابر تحسین و ایفای نقش مربوط به آن.</p>	جلسه ششم و هفتم
<p>۱- مرور جلسات گذشته</p> <p>۲- بررسی تکالیف و دادن بازخورد</p> <p>۳- موانع حفظ تغییر</p> <p>- تغییرات در خانواده</p> <p>- مرحله رشدی کودک</p> <p>- مواقع پردردسر</p> <p>۴- راه کارهایی برای حفظ تغییرات:</p> <p>- برای موقعیت‌های پردردسر برنامه ریزی کنید.</p> <p>- در صورت بروز مشکل، سریع اقدام کنید.</p> <p>- استراتژی های جدید را امتحان کنید.</p> <p>- پیامدی را در نظر بگیرید که قادر باشید به آن عمل کنید و و حتما به آن عمل کنید.</p> <p>- پیامد باید مناسب بد رفتاری انجام شده از سوی کودک باشد.</p> <p>- پیامد نباید حس عزت نفس کودک را تهدید کند.</p> <p>۵- تمرین در مورد مشکلات شایع و ایفای نقش به صورت ۲ نفره</p> <p>۶- خلاصه جلسه (در اختیار قرار دادن شرحی از موضوعات مطرح شده در ۸ جلسه‌ی آموزش فرزند پروری مثبت و تاکید بر حفظ تغییرات مذکور)</p> <p>۷- بررسی گزارش والدین از جلسات بازی و نقد فیلم ویدئویی ضبط شده توسط آنها؛ مرور اصول پایه گروه درمانی رابطه والد- کودک و مهارت های آموخته شده؛ آموزش چگونگی تعمیم مهارت‌ها به خارج از جلسه بازی.</p> <p>هدف: شرح عواملی که مانع از حفظ تغییرات و اصلاح‌های صورت گرفته خواهد شد و ارائه راه حل‌هایی به جهت حفظ تغییرات مذکور</p>	جلسه هشتم

۵- خلاصه جلسات آموزشی برای والدین

در این پژوهش منظور از آموزش مبتنی بر خانواده درمانی استفاده از رویکرد رفتار درمانی ساختاری بر روی والدین دارای کودک پرخاشگر است که هدف حذف یا کاهش رفتارهای نامطلوب و ایجاد یا افزایش رفتارهای مطلوب کودک است. این روش طبق برنامه‌ریزی صورت گرفته در ۶ جلسه و طبق عناوین ذکر شده اجرا می‌شود (معمومی‌زارع، ۱۳۸۹).

جلسه اول: آشنایی والدین با فرض‌های کلی اصلاح رفتار

جلسه دوم: تعاریف ارتباط و زیرمنظومه‌های خانواده، آگاهی به والد در مورد نحوه رفتار با فرزند

جلسه سوم: تغییر الگوهای حمایت کننده از رفتارهای نامطلوب و تغییر زنجیره تعامل‌ها- روش‌های انضباطی - فنون خانواده درمانی

جلسه چهارم: توضیح در مورد تکنیک‌های مدیریت زمان و وضع کردن مقررات

جلسه پنجم: درمورد حذف رفتارهای بدکار و تغییر الگوهای ارتباطی ایجادکننده‌ی آن و راهکارهای بازسازی

جلسه ششم: جمع بندی مطالب دوره

تشکر و قدردانی

- این مقاله با حمایت و مشاوره پژوهشگر محترم جناب آقای مهندس امید نوروزی انگنایی به سرانجام رسیده است که نویسنده این پژوهش از ایشان کمال تشکر و قدردانی را داریم. امید است که با همدلی و استفاده از دانش جمعی، برای سرزندگی و سلامت هرچه بیشتر جامعه ایران عزیز گام برداریم.

منابع

۱. جان کارلسون، اسپری، لن و لويس، جودیت (۱۳۷۸)، ترجمه: شکوه نوایی نژاد، خانواده درمانی تضمین کارآمد. نشر: تهران، انجمن اولیا و مربیان.
۲. خانزاده، عباسعلی حسین (۱۳۹۶). نقش انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند در تبیین حرمت خود و دانش آموزان. اندیشه‌های نوین تربیتی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهرا س. بهار ۹۶. دوره ۱۳، شماره ۱.
۳. خدادادی‌سنگده، جواد. کلائی، اعظم و گوهری‌پور، مرتضی (۱۳۹۹). تدوین الگوی مفهومی رضایت از ازدواج در بستر خانواده سالم مبتنی بر بافت فرهنگی. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. ۱۱(۴۱): ۶۰-۲۷.
۴. خدام حسینی، ساره (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش مبتنی بر طرح‌واره درمانی یانگ بر رابطه والد- کودک و خودیابی والدین دارای فرزند ۳-۶ سال. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی.
۵. دولت کردستانی، کیوان (۱۳۹۶). بررسی تاثیر ازدواج فرزندان بر همبستگی بین اعضای خانواده در بین خانواده ها در شهرستان جیرفت. پایان نامه کارشناسی ارشد. مرکز تهران غرب. دانشگاه پیام نور.
۶. زمانی، بی‌بی‌عشرت و عابدینی، یاسمین (۱۳۹۲). الگوی ساختاری تأثیر سبک‌های فرزندپروری و اعتیاد به بازی رایانه ای بر عملکرد تحصیلی در دانش آموزان پسر. رویکردهای نوین آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان. ۲(۱۸)، ۱۵۶-۱۳۳.
۷. زینعلی، نرگس (۱۳۹۶). بررسی اثر بخشی برنامه روان‌شناختی خانواده محور بر رضایت زوجیت والدین شاغل و وابستگی فرزندان نوجوان آنان به بازی‌های رایانه‌ای. فصلنامه روان‌شناسی معاصر، دوره ۱۲، شماره ۲-۱۱۳-۱۰۰.
۸. سراجی، فرهاد و علی‌بخشی، مریم (۱۳۹۴). نگرانی‌های والدین در مورد آسیب‌های بازی‌های رایانه‌ای بر نوجوانان (یافته‌های یک پژوهش ترکیبی). فصلنامه خانواده و پژوهش. ۱(۲۶)، ۵۱-۳۱.
۹. شاملو، سعید (۱۳۹۲). مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت. تهران: رشد.
۱۰. شرف‌آبادی، سمانه (۱۳۹۴). بررسی ارتباط اضطراب والدین با اضطراب کودکان ۴-۱۰ ساله در مراجعین به کلینیک روانپزشکی شهید صدوقی یزد. پایان‌نامه دکترای حرفه‌ای. دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
۱۱. شیخ‌سامانی، الهام (۱۳۸۶). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های والدینی بر بهبود رابطه ی والد- کودک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
۱۲. شیرالی‌نیا، خدیجه، ایزدی، معصومه، ایزدی، و اصلانی، خالد (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای استرس فرزند پروری، کیفیت رابطه مادر- کودک و سلامت مادر در رابطه بین فرزندپروری ذهن آگاهانه و مشکلات رفتاری کودکان. دانشگاه علامه طباطبائی. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، (۱۰) ۳۸، ۱۳۵-۱۴۶.
۱۳. طلائیان، محمد رضا (۱۳۹۷). بررسی ارتباط بازی‌های رایانه‌ای با اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهر قم. پایان‌نامه دکترای پزشکی عمومی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی قم.
۱۴. طهماسبیان، کارینه، مهریار، امیر هوشنگ، بوالهروی، جعفر و بیرشک، بهروز. (۱۳۷۶). بررسی آموزش والدین در کاهش اختلالات رفتاری کودکان. اندیشه و رفتار. ۳(۳): ۲۷-۲۲.
۱۵. عابدی شاپورآبادی، ثریا، پورمحمدرضایی تجربی، معصومه، محمدخانی، پروانه و فرضی، مرجان (۱۳۹۱). اثربخشی برنامه گروهی والدگری مثبت بر رابطه مادر- کودک در کودکان با اختلال بیش‌فعالی/ نارسایی توجه. روان‌شناسی بالینی. ۱۵(۳): ۶۲-۷۳.
۱۶. عاشوری، ج و منشی، غ (۱۳۹۲). اثر بخشی خانواده درمانی ساختاری بر سطح رضایت زناشویی زنان. مجله زن و مطالعات خانواده. ۱۹ (۵). ۱۴۶-۲۳۳.
۱۷. کازدین، آلن ای (۱۳۹۴). روان‌درمانی کودک. ترجمه‌ی: حسن تونزنده جانی و محمدعلی قنابزچی، مشهد: انتشارات سنبله.
۱۸. کجباف، محمدباقر، عریضی، حمیدرضا، امیری، شعله و کهنوجی، رحیم (۱۳۹۰). اثربخشی خانواده‌درمانی شناختی-رفتاری بر مشکلات رفتاری کودکان خانواده‌های در معرض طلاق. دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، ۳(۴): ۸-۱.
۱۹. گلادینگ، ساموئل (۱۳۸۲). خانواده درمانی، تاریخچه، نظریه و کاربرد. ترجمه فرشید بهاری و همکاران. تهران: انتشارات تزکیه.

۲۰. گودرزی، محمود، شبیری، فاطمه و محمودی، بختیار (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مؤلفه‌های خانواده درمانی شناختی-رفتاری بر تعارض والد-فرزند و تعارض زناشویی. فصلنامه علمی-پژوهشی روانشناسی کاربردی، ۴ (۴۸)، ۵۵۱-۵۳۱.
۲۱. لطفی زاده، شقایق (۱۳۹۷). رابطه میزان استفاده از بازی‌های رایانه‌ای با کارکردهای اجرایی در کودکان پیش‌دبستانی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی.
22. Buzov, I. (2019). Social network sites as area for students' pro- environmental activities. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 152, 1233 – 1236.
23. Carnes- Holt, k. (2012). Child- parent relationship therapy for adoptive families. *Family Journal*, 4, 419- 426 .
24. Chou, H.L. Chou, C. & Chen, C.H. (2006). the moderating effects of parenting styles on the relation between the internet attitudes and internet behaviors of high-school students in Taiwan. *Computers & Education*, 64, 114-154. doi:http://dx.doi.org/51,5159/j.compedu.1151,55,159
25. Christou ,G.(2014).The interplay between immersion and appeal in video games. *Computers in Human Behavior*,32(4),92-100.
26. Colalillo, S. & Johnston, C. (2016). Parenting Cognition and AffectiveOutcomes Following Parent Management Training: A Systematic Review.*Clinical Child and family Psychology Review*, 19 (3), 216-235.
27. DFC Intelligence, (2014). Worldwide Market Forecasts for the Video Game and Interactive Software Entertainment Industry. San Diego, CA: DFC Intelligence in: Power Marcus (2007) Digitized Virtuosity: Video War Games and Post-9/11 Cyber-Deterrence. *Security Dialogue*; 38; 271, London: Sage.
28. Driscoll, K., Pianta, R.C. (2011). Mother's and father's perceptions of conflict and closeness in parent- child relationships during early childhood. *Journal of early childhood and infant psychology*, 7, 1-18
29. Ewoldsen, D. R., Eno, C. A., Okdie, B. M., Velez, J. A., Guadagno, R. E., & DeCoster, J. (2012). Effect of playing violent video games cooperatively or competitively on subsequent cooperative Behavior. *Cyber Psychology, Behavior, and Social Networking*, 15(5), 1-4.
30. Ferguson, C. J. (2013). Violent video games and the Supreme Court. *American Psychologist*, 68(2), 57–74. doi:10.1037/a0030597
31. Ferguson, C. J. (2013). Violent video games and the Supreme Court. *American Psychologist*, 68(2), 57–74. doi:10.1037/a0030597
32. Flynn, R. M. (2013). Acute effects of exercise, physically active video game play, and inactive video game play on executive functioning skills in children .
33. Forehand, R. Lafko, N. Parent, J. & Burt, K. (2014). Is parenting the mediator of change in behavioral parent training for externalizing problems of youth? *Clinical Psychology Review*, 34 (8), 608-619.
34. Fromme, J. (2003). Computer game as a part of children's culture. *The International of Computer Game Rears*, 3 (1), 1-21.
35. Green, C. S., Pouget, A., & Bavelier, D. (2010). Improved probabilistic.
36. Griffiths, M. D., & Pontes H. M. (2014). Internet addiction disorder and internet gaming disorder are not the same. *Journal of Addiction Research & Therapy*, 5, e124. [DOI:10.4172/2155-6105.1000e124] [DOI:10.4172/2155-6105.1000e124]
37. Gunuc, S., Dogan, A. (2013). The relationship between Turkish adolescents , Internet addiction, their perceived social support and family activities. *Computer in Human Behavior*, 29: 21972207
38. Hughes, Nathan, Sciberras, Emma, &Goldfeld, Sharon(2016). Family and community predictors of comorbid language, socioemotional and behavior problems at school entry.*PLoS one*.11(7).
39. Karle, J. W., Watter, S., & Shedden, J.M. (2010). Task switching in video game players: Benefits of selective attention but not resistance to proactive interference. *Journal of Acta Psychologica*, 13(1),70–78
40. Kerns, A. E., Pincus, D., & McLaughlin, K. A. (2017). Maternal emotion regulation during child distress, child anxiety accommodation, and links between maternal and child anxiety. *Journal of Anxiety Disorders*, 50, 52-59.
41. Leidy, M. S., Guerra, N. G., & Toro, R. I. (2010). Positive Parenting, Family Cohesion, and Child Social Competence among Immigrant Latino Families. *Journal of Family Psychology*, 24, 252-260.

42. Leung, K. & Lee, P. S. N. (2011). The influences of information literacy, internet addiction and parenting styles on internet risks, *New Media & Society*, 14 (1), 117-136.
43. Roediger, E., Stevens, B., Brockman, R., Behary, W. T., & Young, J. (2018). Contextual schema therapy : An integrative approach to personality disorders, emotional dysregulation, & interpersonal functioning. *Olkand, CA: Context Press*
44. Runcan, P. L., Constantineanu, C., Ielics, B., & Popa, D. (2012). The role of communication in the parent- child interaction. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 46, 904-908.
45. Sadock B.J. & Sadock V.A., Caplan M.D, (2003), *Synopsis of Psychiatry Behavioral Sciences and Clinical Psychiatry*, 9th editions, John Wiley and Sons, New York.
46. Sanders MR, Markie-Dadds C, Tully LA, Bor W. (2010). The triple p-positive parenting program:a comparison of enhanced standard and self-directive behavioral family intervention for parents of children with early onset conduct problems. *J Consult Clin Psychol*, 68 (2), 624-640.